



A Comprehensive Analysis of the Effective Factors in Determining the Share of the Parties in the Unitization Contracts with a Focus on the Special Situation of Iran

Mohammad javad Bakhtiari¹  Mohammad reza Afshari² 

1. MA Student in Department of oil and Gas Law, Tehran faculty of petroleum, The petroleum university of technology, Tehran, Iran. Email: mojavad.bakht@gmail.com

2. Corresponding author; Assistant Professor; Department of oil and Gas Law, Tehran faculty of petroleum, The petroleum university of technology, Tehran, Iran. Email: m.afshari@put.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Manuscript received:
12 November 2023
final revision received:
10 May 2024
accepted:
12 August 2024
published online:
13 August 2024

Keywords:
Determining the share,
Common oil field,
Unitization contract,
Oil and gas,

Abstract

Experience has shown that, in addition to addressing long-term goals such as technology transfer, establishing a production chain, and ensuring safe oil production, it is crucial for oil-owning governments to increase their share in each contract to achieve greater profits. The criteria for determining the share of parties in domestic field contracts are primarily financial, technical, or legal. However, according to the authors, in unitization contracts, additional factors—such as regional conditions, the capacities of the parties, and approaches to risk-sharing—also play a significant role. The findings of this research, which adopts an analytical and applied approach, indicate that Iran has considerable strengths in negotiations related to share determination, which, if leveraged, could help offset technical and financial limitations.

Cite this article: Bakhtiari, Mohammad javad; Afshari, Mohammad reza (2024, Spring & Summer)“ A Comprehensive Analysis of the Effective Factors in Determining the Share of the Parties in the Unitization Contracts with a Focus on the Special Situation of Iran” *Energy Law Studies*, 10 (1): 1- 24. DOI: <https://doi.com/10.22059/JRELS.2025.366874.541>

© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.



Introduction

From past to present, partnership contracts in the oil and gas industry have primarily focused on financial structure and share division among involved parties. Political, economic, and environmental incentives have posed significant challenges, prompting diverse responses within various contractual frameworks in the industry. The primary question posed in this article is whether factors beyond technical, financial, and legal considerations—such as unique geographical, social, and political characteristics—impact the determination of shares. These contextual factors may vary by region, adding complexity to share determination in cross-border oil and gas fields.

While recent research has largely explored financial regimes in domestic integration contracts, this article takes an international approach, addressing the unique criteria for share determination in line with international law. One of the study's core contributions is its examination of how each country's share in a shared field's production should be determined, an area typically overlooked in depth beyond technical and legal analyses. This study's holistic approach incorporates Iran's particular capacities and emphasizes a broader perspective on share determination.

The study is organized into two main sections. Section One provides an overview of Iran's legal framework on shared fields and relevant legislative measures, while Section Two offers an in-depth analysis of the factors influencing share determination in integration contracts.

Methodology

This article utilizes a library-based study to gather information and identify existing challenges, supplemented by a comparative analysis of sources. The study aims to propose solutions that account for geographical, economic, and political conditions. The authors argue that combined and comparative methods lead to more accurate and effective outcomes, benefiting from the insights of other researchers and case studies.

Conclusions

The study concludes that understanding the factors determining each party's share in shared resources is critical to protecting national interests. This requires strategic legislation by decision-making

bodies. A particular challenge lies in quantifying both technical and non-technical criteria influencing share determination, which demands high expertise and a comprehensive view of contractual dynamics.

An additional challenge is the consideration of future market value. The rise of renewable energy could reduce the strategic value of hydrocarbons, potentially rendering traditional energy policies outdated. Beyond economic value, oil's impact on political and regional relations underscores the importance of re-evaluating policies on shared fields, factoring in not only economic interests but also regional and security priorities. This perspective should encourage swift revisions and updates to policies governing shared resources.

Acknowledgements

The author considers it necessary to extend their gratitude to the esteemed professors of the Oil and Gas Law Department at the Petroleum University of Technology, as well as to the honorable reviewers, for providing their scholarly and constructive feedback.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

Declaration of conflicting interests

The author declares no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.



تحلیل جامع عوامل تأثیرگذار در تعیین سهم طرفین قراردادهای یکپارچه‌سازی میادین مشترک با تمرکز بر وضعیت ویژه ایران

محمدجواد بختیاری^۱ | محمدرضا افشاری^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق نفت‌وگاز، دانشکده نفت تهران، دانشگاه صنعت نفت، تهران، ایران. رایانامه: mojavad.bakht@gmail.com

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه حقوق نفت‌وگاز، دانشکده نفت تهران، دانشگاه صنعت نفت، تهران، ایران. رایانامه: m.afshari@put.ac.ir

اطلاعات مقاله چکیده

تجربه نشان داده است آنچه برای دولت‌های صاحب نفت در کنار توجه به مسائل بلندمدت همچون انتقال فناوری، ایجاد زنجیره تولید و برداشت صیانتی، اهمیت زیادی دارد، بالا بردن سهم نفت خود در هر قرارداد و سپس رسیدن به سود بیشتر است. ملاک‌های تعیین سهم طرفین در قراردادهای مربوط به میادین داخلی، بیشتر جنبه مالی، فنی و یا حقوقی دارد، اما به نظر نویسندگان در قراردادهای یکپارچه‌سازی میادین مشترک، افزون بر این ملاک‌ها، موارد دیگری مانند شرایط منطقه، ظرفیت‌های طرفین و نحوه تقسیم ریسک مؤثرند. نتیجه این پژوهش با رویکرد تحلیلی و کاربردی، نشانه این مطلب است که کشور ایران ظرفیت‌های بالایی در مذاکرات مربوط به تعیین سهم دارد که در صورت توجه جامع به آن‌ها با چاشنی انعطاف‌پذیری، می‌توان سهم قابل قبول‌تری را به دست آورد.

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۳۰ آبان ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری:
۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش:
۲۲ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ انتشار:
۲۳ مرداد ۱۴۰۳

کلید واژه‌ها:

تعیین سهم،
قرارداد یکپارچه‌سازی،
میادین مشترک،
نفت‌وگاز.

استناد: بختیاری، محمدجواد؛ افشاری، محمدرضا (بهار و تابستان ۱۴۰۳). «تحلیل جامع عوامل تأثیرگذار در تعیین سهم طرفین قراردادهای یکپارچه‌سازی میادین مشترک با تمرکز بر وضعیت ویژه ایران»، *مطالعات حقوق انرژی*، ۱۰ (۱)، ۲۴-۱

<http://doi.org/10.22059/JRELS.2025.366874.541>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان.



مقدمه

با توجه به پیشینه و ماهیت قراردادهای یکپارچه‌سازی^۱، می‌توان دریافت که مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین قسمت این قراردادها، بخش تعیین سهم طرفین قراردادی است که خود بخشی از نظام مالی قرارداد به‌شمار می‌رود. وجود انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی متفاوت باعث ظهور شاخص‌های گوناگون حقوقی، مالی و فنی شده است که گاهی در تعیین سهم طرفین مؤثر هستند تا جایی که هر کدام از این شاخص‌ها می‌تواند برگ برنده‌ای در دست کشور طرف قرارداد باشد. پرسشی که این تحقیق در پی پاسخ به آن برآمده، این است که آیا غیر از ملاک‌های فنی، مالی و حقوقی رایج در صنعت نفت و گاز، عوامل دیگری را می‌توان یافت که بتواند بر تعیین سهم طرفین مؤثر باشد؟ عواملی که خاص و بومی هر منطقه و کشورهای صاحب منابع مشترک واقع در آن است و قابل تعمیم به سایر کشورها و منابع مشترک نیست.

در سال‌های اخیر مطالعات متمرکزی بر روی مباحث حقوقی میادین مشترک آغاز و با گذر زمان از کلیات دور و وارد جزئیات شده است. دستاورد مطالعات برخی از صاحب‌نظران حقوق نفت و گاز مقالاتی با عناوینی همچون «مسائل حقوقی یکپارچه‌سازی منابع مشترک نفت و گاز بین بلوک‌های مجاور واقع در قلمرو ایران»، «یکپارچه‌سازی منابع مشترک نفت و گاز در الگوی جدید قراردادهای نفتی ایران» و «همگام ساختن قراردادهای یکپارچه‌سازی منابع نفتی همجوار داخلی با الزامات حقوق ایران» است که با توجه به عنوان مقالات، تمرکز بحث بر مسائل حقوقی میادین مشترک داخلی با محوریت قراردادهای جدید نفتی است که در اختیار چند پیمانکار است؛ اما موضوع اصلی مقاله پیش‌رو میادین مشترک بین دو یا چند کشور بوده و از این نظر کاملاً متفاوت است. بررسی دقیق‌تر سایر تحقیقات نشان می‌دهد که شایبیت آن‌ها، مطالعه میادین مشترک از منظر توافق کشورها به همکاری در برداشت یا عدم توافق آن‌ها و مسائل حقوقی ناشی از برداشت یک‌جانبه است. درواقع این دسته از نویسندگان^۲، یا کوشیده‌اند کشورها را برای همکاری مشترک ترغیب و از مجادلات مربوط به خطوط مرزی منع کنند و به یک موافقت‌نامه جامع در این زمینه دست یابند و یا اگر کشوری مایل به این همکاری نبود، به دنبال ابزاری برای دفاع از حقوق خود و جلوگیری از برداشت ناعادلانه توسط دیگری باشند. مقاله‌ای با عنوان «رژیم حقوقی بهره‌برداری از میادین مشترک نفت و گاز در خلیج فارس از منظر حقوق بین‌الملل»، مصداق نگرش اول و مقاله «برداشت یک‌جانبه از میادین مشترک نفت و گاز در پرتو حقوق بین‌الملل با تأکید بر

1. Unitisation = unitization

۲. سیدباقر میرعباسی و فرخزاد جهانی - توکل حبیب‌زاده و رضا آقانه‌رانی.

میدان مشترک پارس جنوبی»، مصداق نگرش دوم است. تمرکز نوشته‌های یادشده از منظر حقوق بین‌الملل است؛ درحالی‌که نوشته حاضر از دیدگاه حقوق قراردادی و مالی به موضوع می‌پردازد. یکی از موارد مهم و چالش‌برانگیز این نگرش، نحوه تعیین سهم هر کشور از میزان تولیدات میدان است که تاکنون موشکافی نشده یا درنهایت به بررسی فنی و حقوقی بسنده شده است؛ در صورتی‌که از نوآوری‌های این پژوهش نگاه فراحقوقی، فرافنی و درواقع جامع به موضوع تعیین سهم و بررسی آن با دیدگاه بومی‌سازی و با توجه به ظرفیت‌های کشور ایران است. در این راستا، تحقیق را به دو بخش عمده تقسیم کرده و بعد از توضیح درباره پیشینه میادین مشترک در نظام حقوقی ایران و اقدامات قانونی انجام گرفته در این زمینه (بخش اول)، عوامل تأثیرگذار بر تعیین سهم در قراردادهای یکپارچه‌سازی (بخش دوم) را به صورت جامع و تفصیلی بررسی خواهیم کرد.

۱. میدان مشترک و پیشینه حقوقی آن در ایران

میادین مشترک از یک منظر، به میادین مشترک داخلی و میادین مشترک بین کشورها تقسیم می‌شوند. در نوع نخست به دلیل ارتباط یک حاکمیت با پیمانکارها و شرکت‌های نفتی در مورد نحوه بهره‌برداری از میدان مشترک با چالش‌ها و پیچیدگی‌های کمتری روبه‌رو هستیم. نوع دوم را می‌توان در قالب دو حالت بررسی کرد؛ مورد اول حالتی است که بین کشورهای همسایه تحدید حدود انجام شده است و بخشی از میدان در خشکی یا آب‌های تحت حاکمیت کشور همسایه قرار دارد؛ مانند میدان گازی پارس جنوبی واقع در خلیج فارس که بخشی از آن تحت حاکمیت ایران و بخشی دیگر تحت حاکمیت قطر است. معمولاً این تقسیم‌بندی‌ها بر مبنای موافقت‌نامه تحدید حدود مرزی انجام می‌شود. مورد دوم که نسبت به اولی پیچیده‌تر است، در حالتی اتفاق می‌افتد که میدان در محدوده‌ای واقع شده که کشور همسایه نسبت به آن ادعای حاکمیت دارد. پیچیدگی این حالت به این دلیل است که نزاع موجود بین کشورها درباره مرزهای مورد مناقشه، به میادین نفت و گاز تسری می‌یابد و باعث ایجاد چالش‌های متعدد در زمینه بهره‌برداری از این منابع می‌گردد (شبروی، ۱۳۹۹: ۲۶۷). میدان آرش که موضوع روز رسانه‌های سیاسی و مورد اختلاف بین ایران، عربستان و کویت است، نمونه‌ای از این مورد است.

ایران در چهار منطقه دارای میادین مشترک نفت و گاز با کشورهای همسایه است که برای برداشت از این میادین، درگیر رقابتی نفسگیر با رقبای منطقه‌ای است.^۱ ذکر میادین مشترک در

۱. دسته نخست این میادین مشترک، میادین‌های هیدروکربنی هستند که در خلیج فارس واقع شده‌اند. میدان پارس جنوبی و دوازده میدان نفتی و گازی مشترک با کشورهای قطر، عمان، امارات، کویت و عربستان در این دسته قرار دارند. دسته دوم، میادین مشترک جنوب و غرب ایران است؛ چاه‌های «نفت‌شهر» که از هفتاد سال پیش وارد مدار استخراج و تولید شده و وجود

بیش از ۲۵ عنوان قانون از سال ۱۳۶۸ تاکنون نشانه توجه نزدیک به چهار دهه قانون‌گذار به آن است. بیشتر آن‌ها، قوانین بودجه سالیانه هستند که بیانگر اهمیت مداوم و روزافزون موضوع برای قانون‌گذار است؛ اگرچه در برخی از قوانین مرتبط و غیرمرتبط با صنعت نفت نیز عنوان میدان مشترک به چشم می‌خورد. اگر بخواهیم دسته‌بندی منظمی از قوانین مرتبط با میداین مشترک ارائه دهیم، می‌توان آن‌ها را در چهار بخش قوانین بودجه، قوانین مربوط به موافقت‌نامه‌های تحدید حدود، قوانین برنامه توسعه و درنهایت سایر قوانین مرتبط طبقه‌بندی کرد. در زیر به‌اختصار به موضوع‌های اشاره‌شده در هریک از این طبقه‌بندی‌ها اشاره می‌شود.

۱.۱. میداین مشترک در قوانین بودجه

یکی از تصمیمات مهم قانون‌گذار برای تشویق به بهره‌برداری بهینه از میداین مشترک، اختصاص سهم خاص و ویژه از تولید و درآمد میداین مشترک برای وزارت نفت در قوانین بودجه ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ بود که در سال‌های بعد حذف گردید.^۱ از دیگر مواردی که نشانه توجه پیوسته قانون‌گذار به موضوع میداین مشترک و اولویت در بهره‌برداری بهینه از آن است، اعطای تسهیلات توسط بانک‌ها برای طرح‌های بالادستی میداین مشترک مانند مجوز بند «الف» تبصره ۴ ماده‌واحد قانون بودجه ۱۳۹۷ و اجازه انتشار اوراق مشارکت توسط وزارت نفت براساس بند «ج» تبصره یک ماده‌واحد قانون بودجه سال ۱۳۹۵ است. از بررسی قوانین بودجه می‌توان دریافت که در همه الزامات و مجوزهای قانون‌گذار برای سرمایه‌گذاری در حوزه بالادستی، میداین مشترک در اولویت هستند.

سی ساختار ظرفیت مشترک در آن به اثبات رسیده، ازجمله مهم‌ترین این میداین است. دسته سوم را میداین مشترک دریای‌خزر تشکیل می‌دهند که مهم‌ترین آن، میدان مشترک البرز است که ایران و آذربایجان در آن شریک هستند؛ البته تنها نزدیک به بیست درصد این میدان مشترک به‌شمار می‌آید. دسته چهارم میداین مشترک، منابعی هستند که در شرق کشورمان قرار دارند و مهم‌ترین آن‌ها، میدان «گنبد لی» است که ایران و ترکمنستان در آن شریک هستند.

۱. بند «ج» تبصره ۱۵ قانون بودجه سال ۱۳۸۶.

۲. به بانک‌های عامل اجازه داده می‌شود در سال ۱۳۹۷ از محل منابع در اختیار نسبت به اعطای تسهیلات ارزی به موارد زیر اقدام کنند: سرمایه‌گذاران بخش‌های خصوصی، تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی برای طرح‌های توسعه‌ای بالادستی نفت‌وگاز با اولویت میداین مشترک و جمع‌آوری گازهای همراه در راستای افزایش ضریب بازیافت مخازن و احیای چاه‌های قدیمی با داشتن ذخایر نفتی درجا و بدون انتقال مالکیت نفت‌وگاز موجود در مخازن.

۳. به وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط اجازه داده می‌شود با تصویب شورای اقتصاد به‌منظور سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفت‌وگاز با اولویت میداین مشترک نسبت به انتشار اوراق مشارکت ارزی-ریالی از طریق بازار سرمایه در سقف پنجاه هزار میلیارد (۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال با تضمین بازپرداخت اصل و سود این اوراق توسط وزارت نفت از محل افزایش تولید همان میداین نسبت به ارقام مصوب همان سال اقدام کند.

۲.۱. میادین مشترک در قوانین توسعه

افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز با تأکید بر میادین مشترک، ایجاد تمهیدات لازم برای استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های شرکت‌های بخش خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اکتشاف، تولید و بهره‌برداری (نه مالکیت) میادین نفت و گاز، به‌ویژه میادین مشترک (جزء ۱ و ۲ بند «ج» ماده ۴۸ قانون برنامه پنجم)، اجازه انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری با شرکت‌های ذی‌صلاح خارجی مشروط بر بازپرداخت هزینه‌های سرمایه‌گذاری از محل تولیدات میادین مشترک (بند «ح» تبصره ۲۹ ماده واحده قانون برنامه اول)، مهم‌ترین مواردی است که در قوانین برنامه توسعه نمایان است.

۲. میادین مشترک در موافقت‌نامه‌های تحدید حدود

برخلاف بیشتر موافقت‌نامه‌های تحدید حدود در جهان که سعی بر شناسایی مالکیت مشاعی طرفین بر منابع مشترک موجود دارند و بهره‌برداری را جز با رضایت طرفین ممنوع می‌دانند و درباره چگونگی بهره‌برداری صریحاً راهکارهایی ارائه می‌دهند، موافقت‌نامه‌های کشورمان با کشورهای همسایه فاقد چنین شرطی است و صرفاً به دعوت به همکاری برای توسعه مشترک، مانند ماده ۲ قانون موافقت‌نامه راجع به خط مرزی حدفاصل فلات قاره بین ایران و قطر ۱۳۴۸ و در نهایت تعیین فاصله‌ای ناکارآمد برای ممنوعیت حفر چاه در آن فاصله، مانند ماده ۴ قانون موافقت‌نامه حاکمیت بر جزایر فارسی و العربی و تحدید حدود فلات قاره بین ایران و عربستان سعودی ۱۳۴۷^۲ بسنده کرده‌اند (ماده ۴ متن موافقت‌نامه، ۱۳۴۷).

۳. میادین مشترک در سایر قوانین

یکی از مهم‌ترین و جدیدترین تصمیمات قانون‌گذار درباره میادین مشترک را می‌توان در قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱ مشاهده کرد. قانون‌گذار در این قانون، طراحی الگوهای جدید قراردادی از جمله مشارکت با سرمایه‌گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی را بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و با رعایت موازین تولید صیانت‌شده، مجاز می‌شمارد (جزء سوم قسمت «ت» ماده ۳) و امتیازهایی را از جمله نظامات اداری و استخدامی و پرداخت حقوق و

۱. طرفین کوشش خواهند کرد که نسبت به نحوه هماهنگ ساختن عملیات و یا وحدت آن در دو طرف خط مرزی توافق حاصل نمایند.

۲. هریک از طرفین موافقت می‌نماید که در داخل منطقه‌ای به عرض پانصد متر از خط مرزی مشروحه در ماده ۳ و در امتداد خط مزبور در نواحی تحت‌البحری سمت مربوطه او، عملیات حفاری نفتی رأساً و یا به‌وسیله مقامات مجاز از طرف او انجام نگیرد. منطقه مذکور از خط مرزی نامبرده اندازه‌گیری خواهد شد.

مزایای خاص بدون رعایت الزامات قانون مدیریت خدمات کشوری (ماده ۱۰)، عدم نیاز به رعایت قانون برگزاری مناقصات در واگذاری و اجرای طرح‌های مربوط به اکتشاف، توسعه، تولید، تعمیر و نگهداشت میادین مشترک نفت و گاز با تأیید وزیر نفت و فقط با رعایت آیین‌نامه معاملات شرکت ملی نفت ایران (ماده ۱۱)، اختیار تعیین حداقل ارزش سهم طرف ایرانی توسط وزیر نفت (تبصره یک ماده ۱۱) و امتیازات گمرکی برای کالاهای مورد استفاده در میادین مشترک (تبصره ۲ ماده ۱۱) به آن اختصاص می‌دهد.

جمع‌بندی موارد بالا نشان می‌دهد که به‌رغم توجه و تأکید بر بهره‌برداری ویژه و بهینه از میادین مشترک، این منابع هیچ‌گاه به‌عنوان یک امر مستقل، مجزا و ثروت منحصربه‌فرد مورد نظر قانون‌گذار نبوده و از نظام خاص، یکپارچه و درعین حال چابک و سریع برای تصمیم‌گیری به‌هنگام بهره‌برده است.

۴. تعیین سهم طرفین در قراردادهای یکپارچه‌سازی

کشورهای دارای میادین مشترک برای پیشگیری از نتایج بهره‌برداری رقابتی، تمایل خود را برای همکاری و مشارکت در اکتشاف و بهره‌برداری در قالب موافقت‌نامه‌های یکپارچه‌سازی میادین مشترک ابراز می‌کنند (حبیب‌زاده و آقاپهرانی، ۱۳۹۵: ۶۰)؛ اما صرف ابراز این تمایل کافی نیست و یکپارچه‌سازی، مستلزم مذاکرات طولانی برای رسیدن به تفاهات لازم است که می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را تفاهم بر سر نظام مالی و درنهایت میزان سهم هر طرف دانست. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد نبود قوانین و مقررات یکسان و ثابت درباره تعیین سهم طرفین در قراردادهای یکپارچه‌سازی است که در سطح بین‌المللی منعقد می‌شود. به نظر می‌رسد این دیدگاه که هیدروکربن‌های نهفته در اعماق هر قطعه، تعیین‌کننده سهم دارندگان آن قطعات باشند (جنیدی و طباطبایی ستوده، ۱۴۰۱: ۸۸)، در هر وضعیت و شرایطی، عملیاتی و پاسخگوی خواست طرفین نباشد. بنابراین، لازم است برای بهره‌برداری بهینه از این منابع و تقسیم عادلانه و منصفانه عواید آن بین مالکان، چشم‌ها را شست و با توجه به شرایط کشورمان نگاهی جامع، فرافنی و فراحقوقی به عوامل مؤثر در تعیین سهم پیدا کرد. از آنجاکه موضوع تعیین سهم و عوامل آن در بستر قراردادهای یکپارچه‌سازی متولد می‌شود، ضروری است قبل از ورود به بحث اصلی، نگاهی گذرا به مهم‌ترین مطالب این بستر داشته باشیم.

۵. قرارداد یکپارچه‌سازی میادین مشترک

توافق یکپارچه‌سازی، قراردادی میان چند دارنده مجوز بهره‌برداری یا پیمانکار است که نشان‌دهنده حقوق و تکالیف آنان به‌عنوان یک واحد عملیاتی یا پیمانکار به‌منظور بهره‌برداری از

میدان مشترک است (Duval C, 2009: 203).^۱ برای اطمینان از توسعه و تولید بهینه از میدان مشترک، غالباً کنسرسیوم‌های مختلف که هر کدام طبق قرارداد یا امتیاز دارای حقی بر منطقه‌ای^۲ از میدان مشترک با دولت هستند، به همکاری در قالب قرارداد یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه^۳ تمایل دارند. این قرارداد زمینه توسعه میدان مشترک را با ادغام منافع مالکان یا دارندگان حق بر آن در یک واحد فراهم می‌سازد که منافع حاصله براساس میزان گسترش میدان در هر منطقه قراردادی تقسیم می‌شود. برای جلوگیری از تقسیم ناعادلانه این منافع، تدبیری نظام‌مند به نام بازتعیین^۴ در فواصل مختلف عمر میدان پیش‌بینی می‌شود (Robert, 2016: 75). UUOA دو موضوع کلیدی و مهم را دربرمی‌گیرد: اول، «یکپارچه‌سازی» به معنای یکی ساختن منافع دارندگان حقوق مختلف نسبت به میدان و ایجاد مالکیت واحد برای تمام آن‌ها. درواقع بعد از این توافق، سهم مجزای هر مالک به سهم مشاع تبدیل شده و تصرف انفرادی در آن مجاز نیست. دوم، «عملیات» که مربوط به چگونگی توسعه میدان مشترک و تولید محصول است که باید مطابق سازوکاری مشخص انجام شود. این سازوکار تاندازه زیادی شبیه به موافقت‌نامه عملیات مشترک^۵ است؛ اگرچه مواردی همچون یکی شدن منافع یا بازتعیین وجه افتراق آن دو است.

به تناسب انواع میادین مشترک، یکپارچه‌سازی نیز انواعی دارد. اگر میدان، مخزن یا ساختار نفتی در قلمرو دو یا چند کشور همسایه گسترده شده باشد، یکپارچه‌سازی بین‌المللی و در صورتی که بین نواحی قراردادی دو یا چند پیمانکار در قلمرو یک کشور واقع شده باشد، یکپارچه‌سازی داخلی خواهد بود (کاشانی، ۱۳۹۳: ۳۲۴). همچنین یکپارچه‌سازی می‌تواند براساس الزامات قانونی یا قراردادی به صورت اجباری یا اختیاری باشد (Robert, 2016: 75). با تولد صنعت نفت‌وگاز در ایالات متحده و فقدان علوم مرتبط با زمین‌شناسی نفت و مهندسی، رفته‌رفته مشکلاتی میان مالکان و بهره‌برداران هم‌مرز در میادین مشترک پدید آمد. دهه‌ها گذشت تا قانون‌گذاران ایالتی به تصویب قوانین و طرح‌هایی با هدف حفاظت از منابع، افزایش ضریب بازیافت نفت و ایجاد حقوق و تکالیف بین مالکان میادین مشترک که منافی مجزا دارند اقدام کنند و همزمان دادگاه‌های ایالتی نیز با صدور آرا به حل منازعات میان مالکان میادین مشترک

1. A unitization agreement is the contract between the respective licensees or contractors which determines their rights and obligations in exploiting a common deposit as a single unit under a single operator.

2. Tract

3. UUOA or unitization and unit operating agreement

4. redetermination

۵. نمونه‌ای از جدابودن قرارداد یکپارچه‌سازی از قرارداد عملیات یکپارچه رویه آمریکا و کانادا و نمونه یکی بودن آن‌ها رویه عملی در دریای شمال است.

6. JOA

پرداختند و با گذشت زمان مجموعه‌ای از قوانین برای تنظیم روابط میان مالکان میادین مشترک شکل گرفت (Duval C, 2009: 201). موفقیت‌آمیز بودن این نوع از قراردادها در سطح داخلی زمینه خوبی را برای استفاده از آنها در سطح بین‌المللی فراهم کرد؛ همچنان که در موافقت‌نامهٔ تحدید حدود بین کشور انگلستان و نروژ این نوع قرارداد به‌عنوان بهترین روش برای بهره‌برداری از میادینی که در مرزهای مشترک واقع شده‌اند، مورد پذیرش قرار گرفت (کیمیایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۲). موضوع مهم دیگر چیرگی و برتری UUAO^۱ بر هر قرارداد یا موافقت‌نامه بین طرفین است و باید تصریح شود که فرایند تصمیم‌گیری و اجرای عملیات مطابق با UUAO انجام شود. همچنین UUAO جایگزین قرارداد یکپارچه‌سازی مقدماتی^۲ می‌گردد و ممکن است عملیاتی که طبق PUA آغاز شده، مطابق با UUAO پایان یابد و مقررات مربوط به تقسیم منافع و هزینه‌های ذکر شده در UUAO نسبت به مندرجات PUA عطف به‌ماسبق شود (Robert, 2016: 85).

زمانی یکپارچه‌سازی مطرح می‌شود که میدان نفتی یا گازی دارای چند ذینفع است و هرکدام دارندهٔ ناحیه‌ای از میدان قلمداد می‌شوند (martin, 2004: 14).^۳ انگیزه و التزام طرفین برای یکپارچه‌سازی از عوامل گوناگونی نشئت می‌گیرد. یکی از مبانی مهم الزام طرفین به انعقاد UUAO و جلوگیری از برداشت یک‌جانبه، موافقت‌نامه‌های تحدید حدود است. برخی از این موافقت‌نامه‌ها مانند آنچه بین نروژ و روسیه وجود دارد، دربارهٔ جزئیات قرارداد یکپارچه‌سازی نکاتی را بیان می‌کنند. مطابق این موافقت‌نامه، دولت‌ها موظف هستند اختیارات لازم برای توسعه و عملیات در میدان را براساس قوانین و مقررات داخلی به نهادهای مربوطه اعطا کنند (Treaty between the Kingdom of Norway and the Russian Federation, 2010: 6).^۴ همچنین موافقت‌نامهٔ تحدید حدود مانند سندی مادر و اساسی به‌شمار می‌آید که مفاد قرارداد یکپارچه‌سازی نمی‌تواند برخلاف آن باشد. هم‌اکنون در برخی از کشورها، جزئیات مربوط به یکپارچه‌سازی، در

1. supremacy

2. pre- unitization agreement or PUA

3. The need for unitisation arises when an oil or gas field has several or many different interest holders, each having different tracts in the same field. Governments, or their regulatory authorities, encourage and sometimes require unitisation to promote conservation and increase overall production of the field. interest holders, each having different tracts in the same field. Governments, or their regulatory authorities, encourage and sometimes require unitisation to promote conservation and increase overall production of the field.

4. The obligation of the Parties to grant individually all necessary authorizations required by their respective national laws for the development and operation of the transboundary hydrocarbon deposit as a unit in accordance with the Unitization Agreement.

قرارداد (مانند چین، آنگولا و کلمبیا) و در برخی دیگر (مانند آذربایجان، برزیل و اکوادور) در قانون ذکر شده است (Asmus, 2006: 26). خودداری از تولید رقابتی و پیش رفتن به سمت بهره‌برداری صیانتی یکی از دلایل مهم بهره‌برداری یکپارچه است. وجود انگیزه رقابت بین بهره‌برداران در بهره‌برداری رقابتی همواره موجب آسیب‌های زیست‌محیطی شده است؛ برای از بین بردن این‌گونه انگیزه‌ها، مؤثرترین راه، تبدیل قالب بهره‌برداری از رقابتی به مشارکتی است و یکپارچه‌سازی را می‌توان از مؤثرترین راهکارها برای دستیابی به اهداف مذکور قلمداد کرد. استفاده از ایده‌ها، تجارب و فناوری که می‌توان غایت آن را در قالب عملیات یکپارچه‌سازی شاهد بود، صرفه‌جویی در هزینه‌های عملیاتی که در نتیجه تجمیع تأسیسات استخراج و پرهیز از دوباره‌کاری محقق می‌شود و در نهایت استفاده از داده‌هایی را که در نتیجه عملیات اکتشاف و ارزیابی توسط طرفین به دست آمده، می‌توان از فواید یکپارچه‌سازی برشمرد (https://www.shana.ir/news/457571, ۱۴۰۱/۱۲/۲). افزون بر این، یکپارچه‌سازی امکان استفاده از مناطق سایر شرکا را برای عملیات برداشت ثانویه فراهم می‌کند. در این حالت، اقداماتی مانند تزریق آب یا گاز از چاه‌های واقع شده در منطقه کشور همسایه برای افزایش تولید میدان مشترک انجام می‌شود. درواقع، شاید صرف تزریق آب یا گاز یا هر اقدام دیگری توسط هریک از شرکا به تنهایی و در منطقه خودشان، موجب افزایش برداشت نشده یا حتی تأثیر وارونه داشته باشد. اما با نگاه واحد به میدان و در اختیار داشتن تمام چاه‌ها، بتوان بهترین نقطه را برای انجام اقدامات EOR^۱ برگزید (Robert, 2016: 76).

۶. نگاه جامع و بومی به عوامل مؤثر بر تعیین سهم

صحبت از عوامل مؤثر بر تعیین سهم همواره به عنوان مسئله‌ای چالش برانگیز در مذاکرات حوزه‌های مختلف صنعت مطرح است. پیچیدگی این مسئله در مورد مخازن هیدروکربوری دوچندان می‌شود؛ زیرا مخزن نفتی مانند موجودی زنده از قابلیت تغییر رفتار برخوردار است و بی‌شک می‌تواند در آینده به سود یا زیان هریک از طرفین قرارداد عمل کند. آثار این ویژگی، نه تنها در حین اجرای قرارداد، بلکه در زمان مذاکرات به‌خوبی خود را نشان داده و باعث پیچیدگی و زمان‌بر شدن توافق بر سر این بخش از قرارداد می‌شود. معیارهایی همچون میزان ذخایر هیدروکربور ناحیه قراردادی، میزان سرمایه‌گذاری، تعداد چاه‌های موجود از عوامل مرسوم مؤثر در تعیین سهم به‌شمار می‌روند. با نگاه فنی‌تر، انجمن مذاکره‌کنندگان حوزه انرژی^۲ برای تسهیل امر مذاکره و انعقاد قرارداد، الگویی ارائه کرده و در آن معیارهای مشخصی در نظر گرفته است که شامل حجم

1. enhance oil recovery

2. Association of International Energy Negotiators (A.I.E.N)

ناخالص سنگ^۱، حجم هیدروکربور منفذ^۲، هیدروکربور در جای اولیه^۳، حجم هیدروکربور قابل جابه‌جایی^۴ و ذخایر موجود است^۵ (کاشانی و قلی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۹۶). در نگاه جامع، می‌توان موارد دیگری را در تعیین سهم مؤثر دانست که صرفاً به معیارهای مزبور محدود نشده و تأثیر بسزایی در کیفیت و زمان عملیات توسعه، تولید و درنهایت فروش محصول و تقسیم عواید آن خواهند داشت. در ادامه به تحلیل این موارد می‌پردازیم.

۶.۱. بهره‌گیری از توان نظامی و حفظ امنیت در برابر حملات تروریستی

مسئله تروریسم در کشورهایی مانند عراق، سوریه، افغانستان، پاکستان و حتی عربستان به‌صورت جدی مطرح است. به گزارش AON^۶ (مؤسسه مشاوره و مدیریت) در سال ۲۰۱۶ حملات تروریستی ۱۴,۲ درصد افزایش داشته که اهداف بسیاری از آن‌ها تأسیسات مربوط به صنعت نفت‌وگاز بوده است. این میزان از حملات برای کشورهایی که دارای اقتصاد نفتی هستند، می‌تواند مشکل‌آفرین باشد؛ برای مثال، در کشور عراق که سهم نفت از درآمد دولتی به میزان ۹۰ درصد و ۹۶ درصد از درآمد صادراتی و ۳۲ درصد از تولید ناخالص داخلی را شامل می‌شود، آسیب به صنعت نفت می‌تواند مساوی با آسیب به سایر بخش‌ها از جمله درمان، آموزش و حمل‌ونقل باشد^۷؛ به‌گونه‌ای که هزینه خسارات ناشی از حضور گروه تروریستی داعش در عراق در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸ به ترتیب ۸,۷۳۳ و ۹,۴۹۱ میلیارد دلار برآورد شده است (kadhim, 2021: 202). اکنون با توجه به توضیحات ارائه شده، می‌توان دریافت که بحث مقابله با تروریسم تا چه حد این ظرفیت را دارد که به‌عنوان عاملی مؤثر در تعیین سهم شناسایی شود. حفاظت از تأسیسات و همچنین خطوط لوله در برابر حملات تروریستی ریسک بالایی دارد و از نظر مالی و جانی هزینه‌های زیادی به کشور تحمیل می‌کند. افزون‌بر حملات تروریستی، تأسیسات نفتی در معرض حملات سایبری نیز هستند که ممکن است از طرف گروه‌های تروریستی یا کشورهای رقیب به وقوع بپیوندد (Mirali, 2022: 665). به نظر می‌رسد در این شرایط، کشور ایران که هم از نظر توان نظامی و امنیتی و هم از نظر تجربه مبارزه با تروریسم در سطح مناسبی قرار دارد، بتواند این تهدید امنیتی را در جهت افزایش سهم از عواید پروژه‌های نفتی به فرصت تبدیل و یا

1. Gross rock volume
2. Hydrocarbon pore volume
3. Original hydrocarbons in place
4. Moveable hydrocarbon volume
5. Reserves
6. Management consulting company
7. <https://www.ispionline.it/en/publication/how-iraq-can-move-beyond-oil-sector-32014>

با عقد قراردادهای ارائه خدمات نظامی به کشور عراق، درآمدهای جانبی اجرای پروژه را به حداکثر برساند. استفاده از پهپادهای چندمنظوره برای پایش خطوط لوله نفت و گاز گچساران، نمونه‌ای از این مورد است که قابلیت استفاده برای حفظ ایمنی میداین مشترک را دارد.^۱ امروزه این روش توانسته است جایگاه خود را در زمینه حفاظت و ایمنی به دست آورد؛ به گونه‌ای که کشوری مانند روسیه که دارای وسعت سرزمینی بالایی است، با استفاده از پهپادهای مجهز به «دید در شب» می‌تواند مسافتی نزدیک به دویست کیلومتر را پایش کند.^۲ همچنین ایران جزء چند کشوری است که به فناوری ماهواره دست یافته است و در حال حاضر در جمع‌آوری داده‌های اطلاعاتی از آن بهره می‌برد^۳ و این امکان را فراهم می‌سازد که هر حمله قریب‌الوقوعی را رصد کند. این خطر وجود دارد که گروهک‌های تروریستی بتوانند با اداره تأسیسات، نفت تولیدشده را در بازار سیاه بفروشند که نمونه آن تصرف میداین نفتی عراق و سوریه توسط گروه تروریستی داعش و فروش نفت برداشت‌شده از آن‌هاست.^۴ حال، نکته مهم این است که حکومت مرکزی نمی‌تواند به بهانه کوچک بودن میدان و عدم صرفه اقتصادی حفظ آن در مقابل تروریسم از تأمین امنیت آن سرباز زند؛ زیرا یک میدان کوچک شاید برای کشور منفعتی ناچیز در پی داشته باشد؛ اما می‌تواند جهشی بزرگ برای یک گروه تروریستی چند هزار نفری به ارمغان آورد. همچنین از آنجاکه میداین مورد بحث در حدود قلمرو دست‌کم دو حکومت قرار دارد، تصاحب آن توسط تروریست‌ها می‌تواند پیامدهای فاجعه‌باری برای منطقه داشته باشد. با تمام این توضیحات، فاصله‌ای که در زمینه فناوری نظامی بین ایران و سایر کشورهای منطقه غرب آسیا وجود دارد، این امکان را فراهم می‌سازد که با درج مفادی در قرارداد، مانند رصد پیوسته منطقه با توجه به شرایط امنیتی و پیش‌بینی چالش‌های امنیتی، کفه ترازو را در این بحث به سمت ایران سنگین کند.

۲.۶. وجود توافقات جانبی و انعطاف‌پذیری در راستای آن

شاید در نگاه نخست، این گونه به نظر برسد که ورود عوامل معمول در زمینه تعیین سهم منتهی به پیچیده‌تر شدن قرارداد شود؛ اما با نگاهی هوشمندانه‌تر به ظرفیت این گونه قراردادها می‌توان به راحتی دریافت که طرفین قرارداد این فرصت را دارند که از محل تعیین سهم، امتیازاتی را به طرف مقابل اعطا کنند و در عوض امتیازاتی در زمینه‌های دیگر اقتصادی

1. <http://naftnovin.ir/more/post/92318>

2. <https://www.mehrnews.com/news/5725544>

3. <https://www.khabaronline.ir/news/-1818161>

4. Solomon, Erika; Kwong, Robin; Bernard, Steven (11 December 2015). "Inside Isis Inc: The journey of a barrel of oil". Financial Times. 27 December 2015.

به دست آورند. درست مانند تاجری که در برخی از معاملات به عدم دریافت سود یا دریافت حداقلی آن راضی است تا با ایجاد رابطه پیوسته و پایدار، سود اصلی را در معاملات دیگر خود به دست آورد. این نوع دیدگاه از جنبه های مختلفی اهمیت دارد؛ برای نمونه، دولت عراق با هدف جبران عقب ماندگی های خود در توسعه زیرساخت ها، به انتشار سند توسعه جامع ۲۰۳۰ اقدام کرده است که طبق آن دولت موظف است با هدف دستیابی به اقتصادی پایدار اقداماتی مانند افزایش درآمدهای مالیاتی از طریق افزایش نرخ مالیات و عوارض و همچنین توسعه صنعت نفت و گاز و کشاورزی را انجام دهد^۱. افزایش نرخ مالیات و عوارض ممکن است مشکلاتی را برای صادرات و فعالیت های تجاری - عمرانی ایران ایجاد کند. از سوی دیگر، سیاست دولت عراق مبنی بر توسعه صنعت نفت و گاز را می توان به عنوان فرصتی برای ایران در جهت همکاری از طریق انعقاد قرارداد یکپارچه سازی و کاهش نرخ عوارض و مالیات یا حداقل ثابت نگه داشتن آن برای صادرکنندگان، تجار و پیمانکاران ایرانی به شمار آورد؛ برای مثال، در میداین مشترکی که بین ایران و عراق وجود دارد، طرف ایرانی می تواند در ازای استفاده از ظرفیت های خود در مدیریت عملیات یا آموزش نیروهای انسانی عراق یا هرگونه اقدامی برای تأمین بهره وری بالاتر میدان، توافقی در راستای کاهش نرخ عوارض گمرکی واردات محصولات ایرانی با طرف عراقی داشته باشد؛ زیرا عراق یکی از بزرگترین واردکنندگان کالاهای ایرانی به شمار می رود و با مذاکراتی که با طرف عراقی شده است، پیش بینی می شود حجم مبادلات تجاری بین این دو کشور به رقمی بیش از بیست میلیارد دلار برسد و این چشم انداز نشانه اهمیت توافقات جانبی ذیل قراردادهای نفتی است. با وجود عقب ماندگی های کشور عراق در زمینه های مختلف مانند تجهیزات کشاورزی و راه و ساختمان - که در نتیجه جنگ با تروریسم به وجود آمده - به نظر می رسد که نگاه چندجانبه به قراردادهای یکپارچه سازی می تواند عوایدی جدا از عواید سنتی قراردادهای نفتی در پی داشته باشد. همچنین اثر مثبتی که ممکن است این گونه توافقات داشته باشند، بهره مندی مستقیم مردم از یک قرارداد نفتی به دور از هرگونه قانون گذاری جدید و تغییر در نظام اقتصادی است.

۳.۶. راهبری مطمئن^۲ و نقش آن در اجرای قرارداد

بحث راهبری مطمئن، همواره از مسائل مهم قراردادهایی است که به صورت مشترک، چه در حوزه نفت و گاز و چه در حوزه های دیگر صنعتی اجرا می شود. با این حال، در حوزه نفت و گاز از

۱. مرکز پژوهش های اتاق ایران (۱۴۰۱). سیاست تجاری عراق.

otaghiranonline.ir/UFiles/Docs/2023/1/10/Doc20230110130716921.pdf

لحاظ فنی پیچیدگی‌هایی وجود دارد که انتخاب راهبر را با حساسیت بیشتری روبه‌رو می‌سازد. داشتن ویژگی‌هایی همچون تداوم کسب‌وکار، رعایت معیارهای فنی و زیست‌محیطی، داشتن انسجام اداری، توانایی مدیریت پروژه و سرعت‌عمل لازم (Graham, 2020: 2-3) و همچنین داشتن فناوری‌های به‌روز مانند حفاری افقی که با استفاده از آن میزان تولید به شکل چشمگیری افزایش خواهد یافت^۱، سبب کاهش هزینه‌های جانبی مانند هزینه تأسیسات و خطوط لوله شده و ازسویی، باعث کاهش آثار ویرانگر زیست‌محیطی می‌شود. ازسوی دیگر، توانایی در تأمین قطعات و تعمیر تجهیزات در طول اجرای پروژه از معیارهای مهم یک راهبر مطمئن به‌شمار می‌رود؛ زیرا نبود هرکدام از معیارهای مذکور باعث توقف پروژه و در نتیجه ورود خسارت‌های سنگین در بلندمدت می‌شود. این موضوع در پروژه‌های نفت‌وگاز که بلندمدت بودن یکی از ویژگی‌های آن‌هاست، می‌تواند اهمیتی دوچندان داشته باشد. با این توضیحات، می‌توان دریافت که فناوری تا چه حد می‌تواند در انتخاب راهبر تأثیرگذار باشد و از طرفی در مذاکرات تعیین سهم، نقش برگ برنده را ایفا کند^۲. بی‌گمان، طرفی که مبتنی بر موارد مزبور، راهبری قرارداد را برعهده دارد، شایسته دریافت سهم بالاتری است که با نگاهی عمیق و بلندمدت به موضوع، به سودآوری بیشتر هردو طرف خواهد انجامید.

۴.۶. توجه به روابط بین‌المللی متناسب با شرایط فعلی

به‌طور کلی، داشتن روابط بین‌المللی مطلوب از معیارهای اصلی روابط تجاری به‌شمار می‌رود؛ اما این مهم برای کشورهایی با شرایط خاص مانند ایران که دهه‌هاست با تحریم‌های بین‌المللی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، اهمیتی دوچندان یافته است. طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، تعداد میادین مشترک میان ایران و عراق به عدد دوازده می‌رسد^۳ و به‌رغم روابط نزدیک سیاسی که میان این دو کشور برقرار است، در حوزه نفت‌وگاز در شرایط متفاوتی به‌سر می‌برند که می‌توان گفت اصلی‌ترین علت آن وجود تحریم‌های بین‌المللی و در حال حاضر تحریم‌های ایالات متحده آمریکا است؛ برای مثال، در میدان نفتی آزادگان با وسعتی بیش از نهصد کیلومتر مربع طرف ایرانی ابتدا با شرکت Inpex Corp ژاپن قراردادی را امضا کرد؛ اما این شرکت به دلیل تحریم‌های بین‌المللی اقدام به ترک قرارداد کرد و طرف ایرانی مجبور به جایگزین کردن طرف ژاپنی با شرکت CNPC^۴ چین شد که این قرارداد هم به سرنوشتی مشابه دچار شد. اما

۱. طبق برآوردها میزان تولید از شش یا هشت چاه افقی به اندازه شانزده چاه عمودی است.

2. <https://oilikala.com/drilling-technolo/> (19/02/1402).

3. <https://www.tahlilbazaar.com/news/48337>

4. China National Petroleum Corporation

از سوی دیگر، کشور عراق به وسیله عقد قراردادهایی با رویال داچ شل^۱ و شرکت های چندملیتی دیگر، توسعه میادین سونباد و مجنون را که به ترتیب در مجاورت میادین یادآوران و آزادگان هستند، آغاز کرده است.^۲ این گونه نقض تعهدات که غالباً در اثر تحریم های یک جانبه غرب رخ می دهد، خود بیانگر میزان تأثیر تحریم ها بر انجام عملیات نفتی است. حال به نظر می رسد در این موارد، طرف متأثر از تحریم با نگاهی واقع بینانه، باید دست بالای طرف دیگر در انجام پروژه های نفتی، سهولت در فروش محصول با قیمت مناسب و به تبع آن سهم بیشتر را در نظر داشته باشد.

۵.۶. بهره گیری از فناوری روز و نحوه انتقال آن

از دیگر مواردی که همواره در قراردادهای نفتی مطرح می شود، بحث انتقال فناوری است که خود می تواند تاندازه ای در تعیین سهم مؤثر باشد. البته تعیین میزان آن با توجه به تعریف طرفین از الگوهای انتقال فناوری می تواند تا حدودی زمان بر باشد؛ برای مثال، شرکت ملی نفت فراساحلی چین در همکاری با مرکز ملی تحقیقات چین و دانشگاه ساسکس، الگوی انتقال فناوری ای مطرح کردند که شامل دانش و مهارت فنی و مکانیکی، اطلاعات فناوری و مبانی علمی، داده ها و نرم افزار طراحی و محاسبه است (محمدی، ۱۳۹۶: ۱۴۲). همچنین الگوی صنعت نفت و گاز آتلانتیک کانادا، فرایند انتقال فناوری را به بخش هایی از جمله شناسایی دلایل انتقال فناوری، شناسایی شرایط قرارداد و حوزه انتقال انرژی تقسیم کرده است. وجود الگوهای مختلف انتقال فناوری می تواند باعث پیچیدگی مذاکرات شود؛ اما از سویی، دست طرفین را در انتخاب الگوی مناسب و به تبع آن تعیین سهم باز می گذارد. دو نکته مهم در این باره که تأثیر مستقیم در تعیین سهم دارد، بحث ورودی و خروجی فناوری است. اینکه کدام یک از طرفین با چه سطحی از فناوری در قرارداد شرکت می کند و اینکه فناوری به روز شده و تکامل یافته در راستای اجرای قرارداد، متعلق به کدام یک خواهد بود، می تواند بر میزان سهم آن ها مؤثر باشد. چه بسا در شرایطی، در اختیار گرفتن فناوری تکامل یافته و یافته های علمی و تجربی ناشی از عملیات، برای یک طرف ارزشی بالاتر از چانه زنی بر سر تعیین سهم و افزایش مقدار آن داشته باشد.

۶.۶. استفاده از محیط زیست یک کشور و احتمال ورود خسارت

با وجود درج شرط «رعایت الزامات زیست محیطی» در همه قراردادهای بالادستی و تأکید بر امره بودن و بقای این تعهدات حتی پس از خاتمه قرارداد (حاتمی، ۱۳۹۳: ۷۷۱)، یکی از ویژگی های بارز

1. Shell plc

2. <https://www.tahlilbazaar.com/news/48337> (1402/02/20).

صنعت نفت و گاز، آثار کمابیش ویرانگر زیست محیطی است که در نتیجه فعالیت های حفاری ایجاد می شود؛ مانند استفاده از گل حفاری در جهت انتقال کنده های حفاری و دفع آن، خنک کاری و تمیزکاری مته و کاهش اصطکاک درون چاه (فولادی فرد، ۱۳۹۲: ۲۰) و از طرفی، احتمال بروز حوادثی مانند نشست های غیرمنتظره، آلاینده گی جوئی و انفجار، خطر تخریب های زیست محیطی را به شدت افزایش می دهد (اسفندیاری، ۱۳۹۹: ۲۳۲).

اگرچه پیمانکار یا شرکت مجری عملیات ملزم به رعایت مقررات و عرف های زیست محیطی در منطقه عملیات و کاهش آلودگی و ورود خسارت است؛^۱ اما اینکه تمام یا غالب چاه های حفاری در کدام قسمت میدان و متعاقباً در داخل مرز کدام کشور واقع شود و تجهیزات مربوط به تصفیه گل حفاری یا سوزاندن گازهای زائد در آن محدوده نصب شوند، آثار متعددی بر محیط زیست منطقه خواهد داشت. همچنین نحوه انتقال نفت و سایر محصولات یا نیاز به ذخیره سازی که صحبت از مکان یابی مخازن روی سطحی را به میان می آورد، خود عامل انتشار گازهای سمی مانند گاز متان است (tadros, 2020) یا جداسازی های اولیه بر محیط زیست طبیعی، اعم از زنده و غیرزنده، تأثیرگذار است. این آثار تا حد ممکن بایستی کمی سازی شده و منطقی است طرفی که ریسک آلودگی و ورود خسارت به محیط زیست خود و مقابله با آن را می پذیرد، افزون بر سهم معمول خود، درصدی بالاتر را نسبت به شریکی که در معرض چنین چالشی نیست، طلب کند.

نتیجه

رویکرد حفظ و افزایش منافع کشور در استفاده از ذخایر نفت و گاز مشترک و بالا بردن قدرت چانه زنی در مذاکرات، مدتهاست که مورد توجه مقام معظم رهبری «مدظله العالی»، مجلس و دولت است. بی شک اجرای این سیاست، نیازمند برنامه ریزی و آینده نگری با در نظر گرفتن تمام شرایط و اقتضائات کشور و منطقه است. برای استفاده از منابع مشترک به طور کلی، چند حالت قابل تصور است. مطلوب این است که سیاست گذاری به نحوی انجام شود که مسئولان صنعت نفت و گاز در حد امکان و توان برای هر کدام از این حالت ها آماده باشند و براساس اولویت نفع کشور یکی از حالت های بهره برداری گزینش شود، نه اینکه از روی ناچاری و بدون حق انتخاب وارد فرایندی شوند که نقشه آن توسط دیگران طراحی شده است. براساس این دیدگاه، مقتضی است الزامات استفاده از هر کدام از روش های بهره برداری از میادین مشترک با نگاه بومی به ظرفیت های کشور بررسی و ادبیات حقوقی برای آن ایجاد یا تقویت گردد. در روش یکپارچه سازی مانند هر قرارداد

۱. قسمت «ح» ماده ۳ تصویب نامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز مصوب ۱۳۹۵.

بالادستی دیگر، چه بسا افزون‌تر، موضوع‌هایی همچون قانون حاکم، مالکیت بر نفت و تجهیزات، نحوه مدیریت عملیات و درنهایت تعیین سهم نفت و عواید ناشی از آن بسیار چالش‌زاست. افزایش و کاهش سهم هر طرف در مذاکرات، نیازمند وجود دلیل و اقناع طرف مقابل است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد انحصار این ادله به شرایط فنی میدان، مالی و حقوقی طرفین، جامع نیست و معیارهای دیگری وجود دارد که در افزایش تولید کل میدان به‌طور غیرمستقیم و متعاقباً سود بیشتر طرفین تأثیرگذار است. بی‌گمان، طرفی که این ابزارها را در اختیار دارد، شایسته و محق دریافت سهم بیشتری است. ضمن اینکه بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها براساس مزیت نسبی برای طرف دیگر نیز سودمند است و درنهایت به افزایش سهم و پایداری نفع وی می‌انجامد. شایسته این غزل، وجود نگاه همه‌جانبه‌نگر و منعطف در تمام مراحل مربوط به تعیین سهم است؛ زیرا با در نظر داشتن این اصل، عقب‌نشینی در یک موضع به‌معنای شکست و ازدست‌رفتن منافع ملی تلقی نشده و به‌یقین پیشروی‌های کاراتر را به‌دنبال دارد. در این مقاله تلاش شد تا دلایل تعیین سهم طرفین با توجه به ظرفیت‌های کشورمان با نگاه بومی‌سازی استنتاج گردد و با ترسیم نگاهی جامع و بهره‌گیری از توانایی‌ها در همه زمینه‌های مرتبط با صنعت نفت، کاستی‌های احتمالی جبران و تهدیدها تبدیل به فرصت شوند.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

قدردانی

در پایان نگارندان بر خود لازم دانسته از اساتید محترم گروه حقوق نفت و گاز دانشگاه صنعت نفت و همچنین داوران محترم به دلیل ارائه نظرات علمی و ساختاری تشکر نمایند.

منابع

- تصویب‌نامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز، مصوب ۱۳۹۵.
- جلالی، محمود؛ اسفندیاری خالدي، عباس (۱۳۹۹). «ملاحظات زیست‌محیطی در قراردادهای نفتی». *مطالعات حقوق انرژی*، دوره ۶، شماره ۲، ص ۲۴۶-۲۳۱.
- DOI: 10.22059/JRELS.2021.288470.304
- جنیدی، لعلیا؛ طباطبایی ستوده، سیدفریدالدین (۱۴۰۱). «همگام ساختن قراردادهای یکپارچه‌سازی منابع نفتی همجوار داخلی با الزامات حقوق ایران». *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، دوره ۱۳، شماره ۲۶، ص ۹۵-۶۷.
- DOI:10.22034/law.2021.46082.2905
- حاتمی، علی؛ کریمیان، اسماعیل (۱۳۹۳). *حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری*. تهران، نشر تیسرا.
- حبیب‌زاده، توکل؛ آقاههرانی، رضا (۱۳۹۵). «برداشت یک‌جانبه از میادین مشترک نفت و گاز در پرتو حقوق بین‌الملل با تأکید بر میدان مشترک پارس جنوبی». *مطالعات حقوق انرژی*، ص ۸۴-۵۱.
- DOI: 10.22059/JRELS.2016.61015
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۹). *حقوق نفت و گاز*. تهران، نشر میزان.
- فولادی‌فرد، رضا (۱۳۹۲). «بررسی اثرات تخلیه گل و کنده‌های حفاری بر محیط‌زیست و بسترهای دریایی». *فصلنامه انسان و محیط‌زیست*، شماره ۲۶، ص ۲۶-۲۰.
- https://he.srbiau.ac.ir/article_3272.html (۲۵ مرداد ۱۴۰۲)
- قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، مصوب ۱۳۹۱.
- قوانین بودجه سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۷.
- قوانین برنامه اول و پنجم توسعه.
- قانون موافقت‌نامه راجع به خط مرزی حدفاصل فلات قاره بین ایران و قطر ۱۳۴۸.
- قانون موافقت‌نامه حاکمیت بر جزایر فارسی و العربی و تحدید حدود فلات قاره بین ایران و عربستان سعودی ۱۳۴۷.
- کاشانی، جواد (۱۳۹۳). *منابع نفت و گاز مشترک از منظر حقوق بین‌الملل*. چاپ دوم، تهران، مؤسسه شهردانش.
- کاشانی، جواد؛ قلی‌زاده، توحید (۱۳۹۷). «مسائل حقوقی یکپارچه‌سازی منابع مشترک نفت و گاز بین بلوک‌های مجاور واقع در قلمرو ایران». *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره ۱۰، شماره ۲، ص ۱۸۹-۲۱۳.
- DOI:10.22099/JLS.2018.26223.2500

محمدی، سیده مریم؛ منطقی، منوچهر؛ محمدی، زهرا؛ گرشاسبی نیا، ندا (۱۳۹۶). «تحلیل فرایند انتقال تکنولوژی در قراردادهای نفتی ایران؛ مطالعه موردی تحلیل مدل جدید (IPC)». فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، جلد ۱۳، شماره ۵۴، ص ۱۷۲-۱۳۵.
http://iiesj.ir/browse.php?a_code=A-10-1041-2&slc_lang=fa&sid=1
(۱ مهر ۱۴۰۲)

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران (۱۴۰۱). سیاست تجاری عراق.
<https://otaghiranonline.ir/UFiles/Docs/2023/1/10/Doc20230110130716921.pdf>

میرعباسی، سیدباقر؛ جهانی، فرزاد (۱۳۹۰). «رژیم حقوقی بهره‌برداری از میادین مشترک نفت و گاز در خلیج فارس از منظر حقوق بین‌الملل». فصلنامه راهبرد، شماره ۶۱، ص ۱۲۲-۹۲.
DOI:20.1001.1.10283102.1390.20.4.3.4

نالکیاشری، زهرا؛ قبولی درافشان، سیدمحمد مهدی؛ محسنی، سعید (۱۳۹۵). «قرارداد یکپارچه‌سازی درخصوص میادین نفت و گاز». ماهنامه علمی-ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۱۴۱، ص ۳۳-۴۰.
DOI:20.1001.1.25381652.1395.1395.141.8.8

References

- Approval of the General Conditions, Structure, and Model of Upstream Oil and Gas Contracts, 1395.
- Asmus, David; Jacqueline, Weaver (2006). "UNITIZING OIL AND GAS FIELDS AROUND THE WORLD: A COMPARATIVE ANALYSIS OF NATIONAL LAWS AND PRIVATE CONTRACTS". UNIVERSITY OF HOUSTON LAW CENTER, *Houston Journal of International Law*, Vol. 28, No. 3, 2006, p. 10-197.
at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=900645
(Accessed 1march, 2023).
- Budget law, 1395 & 1397.
- Duval C; Le Leuch H; Pertuzio A; Lang Weaver J (2009). *International Petroleum Exploration and Exploitation Agreements: Legal Economic and Policy Aspects*. 2th edition. Barrows Company Inc.

- Esfandiary khaledy, Abbas; Jalili, Mahmoud (2020). "environmental considrations in the petroleum contacts". pp. 231-246. DOI: 10.22059/JRELS.2021.288470.304
- Fayak Tadros; Amgad Fathey (2020). *Environmental aspects of petroleum storage in above ground tank*. petroleum pipelines company, ICSF, Cairo, Egypt.
- Fouladifard, Reza (2013). "effect of drillin cutting discharge on marine environment and benthic formaminiifera". pp. 20-26. https://he.srbiau.ac.ir/article_3272.html[in persian]
- Habibzadeh, Tavakol; Agha Tehrani, Reza (2016). *bilateral extraction of common oil and gas fiels considering international law with emphasizing on parse jonoobi joint field*. pp. 51-84. DOI: 10.22059/JRELS.2016.61015 [in persian]
- Hasan Latif Kadhim (2021). "THE ECONOMIC COST OF TERRORISM IN IRAQ PRELIMUNARY ASSESSMENT". *Akkad Journal of Contemporary Economic Studies*, pp. 197-206. DOI: <https://doi.org/10.55202/ajces.v1i4.91> [in persian]
- First and fifth development planning law. [in persian]
- Hatami, Ali; Karimiyan, Esmaeil (2014). *Foreign investment law in light of investment and contract*. Tehran, Tisa publication. [in persian]
- Joneydi, Laya; tabatabayi sotudodeh, seyyed farideddin (2022). unitization and determination of tract participation in unit operating agreements, pp. 67-95. DOI: 2021, 46082, 2905 [in persian]
- Kashani, Javad (2014). *Oil and gas resources from the perspective of international law*. Institute for Legal Studies and Research. [in persian]
- Kashani, Javad; Gholizadeh, Tohid (2018). "legal issues of unitization of common oil and gas resources between adjacent block located on iran's territory". *academic journal of legal studies*, Vol 10 No 2, pp. 189-213. [in persian]

Kimiyaie Nalkiashari, Zahra; Ghabouli, Seyed Mohammad mahdi; Mohseni, Saeed (2016). "oil and gas field unitization contract". pp. 33-40.

DOI: 20.1001.1.25381652.1395.1395.141.8.8 [in persian]

Law on the Duties and Authorities of the Ministry of Oil, 1391. [in persian]

Law on the Agreement Regarding the Maritime Boundary Line between Iran and Qatar's Continental Shelf, 1348. [in persian]

Law on the Agreement on Sovereignty over the Persian and Arab Islands and the Delimitation of the Continental Shelf Boundaries between Iran and Saudi Arabia, 1347.

Martin, Tim (2004). "Model Contracts: a Survey of the Global Petroleum Industry". *Journal of Energy & Natural Resources Law*, August 2004, Vol 22 No 3, pp. 281-340.

DOI: <https://doi.org/10.1080/02646811.2004.11433373>

Mohmmadi, S.M; Manteghi, M; mohmmadi, Z; Garshasbinia, N (2017). "the technology transfer for iranian oil contract; the cas study analysis of new iran petroleum contracts(ipc) models". pp. 135-172. http://iiesj.ir/browse.php?a_code=A-10-1041-2&slc_lang=fa&sid=1 [in persian]

Mirabbasi, S.B; Jahani, F (2011). "international law and the legal regime governing exploitation of joint oil and gas fields in the persian gulf". pp. 92-122.

DOI: 20.1001.1.10283102.1390.20.4.3.4 [in persian]

Nawzad Mirali Yasin (2022). "Cross-Jurisdiction Unitization Agreements: A Legal Solution to the Issue of Cross-Jurisdiction Petroleum Reserves Between Iran and Iraq". *Oil and Gas, Natural Resources, and Energy Journal*, August 2022, Vol 7, No 4, pp. 1-214.

<https://digitalcommons.law.ou.edu/onej/vol7/iss4/2/>

(Accessed 12 september, 2023).

Pat, Graham; Maximilian, Mahringer; andy, thain (2020). Ten principles for successful oil and gas operator transition, mackinsey&company, oil and gas practice at:

<https://www.mckinsey.com/industries/oil-and-gas/our-insights/ten-principles-for-successful-oil-and-gas-operator-transitions> (Accessed 2july, 2023).

Research Center of the Iran Chamber of Commerce (2022). Trade Policy of Iraq.

<https://otaghiranonline.ir/UFiles/Docs/2023/1/10/Doc20230110130716921.pdf>[in persian]

Robert, peter (2016). *Oil and gas contract: principles and practice*. first edition, Thomson reuters, London.

Shiravi, Abdolhossein (2020). *oil and gas law*. University of Tehran, Mizan legal foundation. [in persian]

Treaty between the Kingdom of Norway and the Russian Federation concerning Maritime Delimitation and Cooperation in the Barents Sea and the Arctic Ocean, (2010) at:<https://www.un.org/depts/los/LEGISLATIONANDTREATIES/PDFFILES/TREATIES/NOR-RUS2010.PDF> (Accessed 19 june, 2023).

www.shana.ir/news/457571